

ساختمان ظاهری رباعیات خیام دست برد. فیتزجرالد از این رباعی‌های پراکنده مجموعه منسجمی سامان داد. چنان‌که می‌دانید رباعیات خیام در فارسی ناپیوسته‌اند و هرکدام شعری مستقل، ولی در ترجمه فیتزجرالد رشته‌ای نامرئی این اشعار را مانند منظومه‌ای پیوسته به هم متصل می‌کند. رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد، خیام را شاعری شادخوار، لادری‌گرا، دم‌غنیمت‌شمار، شکاک و جبرگرا نشان می‌دهد نه فیلسوفی ژرف‌اندیش و حکیم.

هدف اصلی نویسنده کتاب صهبای خرد، معرفی دوباره اندیشمند بزرگی مانند خیام به خواننده غربی و اعاده تصویر مخدوش و محرف اوست (ص ۴). پروفیسور امین رضوی هم‌اکنون استاد فلسفه و دین دانشگاه مری واشینگتن ایالت ویرجینیای امریکاست. او تألیفات متعددی دارد که از میان کتاب‌های او می‌توان به *منتخباتی از متون فلسفی در ایران*^۱ با همکاری دکتر سید حسین نصر، *سهروردی و مکتب اشراق*^۲ (۱۹۹۷)، *فلسفه دین و مسئله تسامح*^۳ (۱۹۹۷)، و *صهبای خرد: زندگی، شعر و فلسفه عمر خیام*^۴ (۲۰۰۵) اشاره کرد. آخرین اثر او ویراستاری کتابی است با عنوان *تصوف و ادبای برجسته امریکایی*^۵ (۲۰۱۴). او همچنین مقالات زیادی نوشته است که یکی از مهم‌ترین آنها مدخل «عمر خیام» *دانشنامه فلسفه* طبع دانشگاه استنفورد است.

کتاب *صهبای خرد* یک مقدمه، یک مؤخره، یک پیوست (شامل ترجمه رساله‌های فلسفی عمر خیام، رباعیات ترجمه فیتزجرالد و اشعار عربی او) و هشت فصل دارد. عناوین فصل‌های کتاب به ترتیب عبارتند از: ۱. احوال و آثار خیام، ۲. بازسازی چهره‌ای مخدوش: عمر خیام به روایت معاصران و شرح حال نویسانش، ۳. خیام در اوضاع فکری زمان خود، ۴. رباعیات، ۵. خیام و تصوف، ۶. اندیشه‌های فلسفی خیام، ۷. خیام عالم و ۸. خیام در غرب.

¹ *An Anthology of Philosophy in Persia*

² *Suhrawardi and the School of Illumination*

³ *Philosophy, Religion, and the Question of Intolerance*

⁴ *The Wine Of Wisdom: The Life, Work, And Legacy Of Omar Khayyam*

⁵ *Sufism and American Literary Masters*

فصل اول (۱۸-۳۹) که خود متشکل از دو بخش است دربارهٔ احوال (تولد و خانواده، سال‌های تحصیل و استادان وی، خیام معلم و شاگردان وی، آشنایی خیام با مشایخ، سه یار دبستانی و داستان شیرین یک دوستی، سفر به اصفهان، بازگشت به نیشابور، پیری و پایان یک زندگی درخشان) و آثار خیام (شامل چهارده رساله) است. مؤلف کوشیده براساس منابع مکشوف و موجود، زندگینامه انتقادی خیام را مختصراً بنگارد و غبار افسانه‌ها را از چهرهٔ رازآلود او بزداید. او همچنین آثار خیام را اجمالاً معرفی و شرح کرده است.

فصل دوم (۴۰-۶۶) بازسازی چهرهٔ عمر خیام به روایت معاصران و شرح حال نویسان اوست. امین رضوی کوشیده است چشم‌انداز کامل‌تری از شخصیت خیام ترسیم کند. برای نیل بدین مقصود او از منابع قرن ششم تا قرن دوازده (از نامهٔ سنایی به خیام تا مجمع‌الفصاحی رضاعلی خان هدایت) بهره برده است تا بر چهرهٔ رمزآلود و ابهام‌آمیز خیام نور بیشتری بتاباند. به علاوه، مؤلف به آغاز و پایان برخی رساله‌های علمی و فلسفی خیام که به روشن‌تر شدن چهرهٔ مذهبی او کمک می‌کند نیز مراجعه و اشاره کرده است.

فصل سوم (۶۷-۸۹) به بررسی اوضاع و احوال فکری زمان او می‌پردازد. نویسنده ابتدا کوشیده است جغرافیای طبیعی و فکری نیشابور آن عصر را ترسیم کند و تدریجاً به سراغ جریان‌های فکری (مثلاً جدال معتزله و اشاعره) در آن روزگار برود. به اعتقاد امین رضوی جدال معتزله و اشاعره حول پنج اصل یعنی توحید، عدل، وعده و وعید، منزل بین المنزلتین، و امر به معروف و نهی از منکر دور می‌زند. به گمان او رباعیات خیام به‌نوعی واکنش به این مباحث است. وی در ادامهٔ این فصل اجمالاً به بررسی زوال عقل‌گرایی و ظهور مانع‌تراشی‌های علم کلام و تأثیرپذیری خیام از شاعر تیره‌چشم بدبین عرب، ابوالعلائی معری نیز می‌پردازد.

فصل چهارم (۹۰-۱۳۳) دربارهٔ رباعیات خیام است. امین رضوی بحث در باب رباعیات اصیل و دخیل را بی‌پایان و خارج از حوصلهٔ کتاب می‌داند و معتقد است این امر به درک ما از خیام کمک چندانی نمی‌کند. به عقیدهٔ او بحث دربارهٔ رباعیات اصیل و

دخیل خیام تا حدی انحرافی و نامربوط به اصل پیام اوست. بنابراین به علت در اختیار نداشتن اسناد تاریخی کافی و متقن، بهتر آن است که از آنها با عنوان خیامیات یا به تعبیر نویسنده «مکتب فکری خیام» یاد کنیم. مؤلف روشی نسبتاً پدیدارشناسانه اتخاذ می‌کند و می‌گوید کسی که رباعیات را سروده برای ما خیام است و بس. او نسخه فروغی را اساس کار خود قرار می‌دهد و اشعاری را برمی‌گزیند که مجموعه‌ای از موضوعات و مضامین بارز رباعیات را تشکیل می‌دهند و آنها را مضموناً به هفت دسته تقسیم می‌کند: ناپایداری و معنای زندگی، شر و عدل، این جهان و این زمان، شک و حیرت، مرگ و حیات پس از مرگ، جبر و تقدیر، و حقیقت در شراب است.

فصل پنجم (۱۳۴-۱۵۶) درباره خیام و تصوف است. برخی با استناد به بعضی از عناصر صوفیانه در رباعیات، خیام را صوفی دانسته‌اند. امین رضوی معتقد است جهان‌بینی خیام اساساً فاقد عناصر صوفیانه مرسوم است. تازه اگر معتقد باشیم که خیام تمایلات صوفیانه داشته، دست‌کم او را نمی‌توان صوفی‌عاملی به حساب آورد. به اعتقاد نویسنده حتی نمی‌توان او را در سنت مشایخ بزرگ صوفیه مانند مولانا، حلّاج، بایزید، ابوسعید ابوالخیر و رابعه قرار داد. به علاوه، او نه مرشدی داشته و نه در کسوت تصوف درآمده بوده و هیچ‌یک از شرح حال نویسانش به تعلقات صوفیانه او اشاره‌ای نکرده‌اند.

فصل ششم (۱۵۷-۱۸۷) به بررسی اندیشه‌های فلسفی خیام می‌پردازد. برخلاف رباعیات که در انتساب آنها به خیام جای تردید است، این رساله‌های فلسفی قطعاً از آن اوست. از خیام فیلسوف شش رساله فلسفی برای ما به یادگار مانده. این رساله‌های مختصر و مفید که به پیروی از ابن سینا (سنت مشایی) نوشته شده‌اند از سویی بیانگر اندیشه‌های فلسفی خیام و از دیگر سو نشانگر مسائل فلسفی‌ای است که در محافل علمی آن زمان مهم‌ترین دغدغه فکری بوده است.

فصل هفتم (۱۸۸-۲۰۳) درباره خیام دانشمند است. خیام مردی متضلع بود و علاوه بر فلسفه و شاعری در علوم زمان خود به‌خصوص ریاضی دستی داشت. او در رشته‌های جبر و هندسه و حساب آثاری موجز اما مبتکرانه نوشت که دانش ریاضی

روزگار خود (مثلاً معادلات چند مجهولی) را اندکی پیش برد. او را باید یکی از شارحان و ناقلان مهم آثار ریاضی یونانی در جهان اسلام به شمار آورد. از خیام رساله‌ای در باب فیزیک، اثری در باب نجوم و گاه‌شماری (تقویم جلالی)، برج‌های مانده است. همچنین حکایاتی درباره‌ی شناخت او از هواشناسی و موسیقی منقول است.

فصل هشتم (۲۰۴-۲۷۷) که مفصل‌ترین فصل کتاب است به بررسی خیام در غرب می‌پردازد. دل‌مشغولی مؤلف در این فصل مسئله‌ی انتقال رباعیات خیام به غرب و تأثیر آن بر پاره‌ای از محافل ادبی است (ص ۲۰۴). به باور امین رضوی معرفی خیام در اروپا اساساً پدیده‌ای سده‌ی نوزدهمی است؛ پدیده‌ای که چون صاعقه اروپا را درنوردید و علت آن این بود که اروپا «در فیلسوف ایرانی ما پیامی یافت که با روح زمانه‌ی اروپا و امریکا تطابق داشت» (ص ۲۰۵).

به گفته‌ی نویسنده، تألیف این کتاب دو دلیل دارد: اول به علت نبود کتابی واحد و جامع به انگلیسی درباره‌ی اندیشه‌های خیام و سوء برداشت‌ها و کج‌فهمی‌هایی مربوط به ماهیت تفکر این شخصیت متضلع؛ دیگری تجانس فکری نویسنده با خیام از روزگاران گذشته. به تصریح مؤلف، این کتاب - که اثری است جامع در معرفی احوال و آثار و فلسفه و علوم و شاعری خیام - اساساً برای خوانندگان غربی نوشته شده است. غرض اصلی او این بوده که از چهره‌ی مخدوش و محرف عمر خیام تصویری واقع‌گرایانه و درست عرضه کند و به معرفی دوباره و بازسازی این شخصیت سترگ و استثنایی که در تاریخ تفکر اسلامی بی‌نظیر است دست یازد.

با اینکه این اثر برای انگلیسی‌زبانان نوشته شده، برخی فصول آن مخصوصاً فصل آخر آن نکات سودمند بسیاری برای فارسی‌زبانان دارد. فصل آخر کتاب، «خیام در غرب»، به پذیرش (طرد یا قبول) رباعیات عمر خیام ترجمه‌ی فیتزجرالد در انگلستان، امریکا، آلمان، فرانسه و هلند می‌پردازد. بخش پذیرش رباعیات در امریکا از بقیه‌ی کشورهای مذکور مفصل‌تر است. در قسمت مربوط به پذیرش رباعیات در انگلستان، نویسنده فقط بر نقش دو نهاد ادبی - هنری (انجمن پیش‌رافائیلیان و انجمن عمر خیام) تأکید کرده و به عوامل متعدد و مهمی که در ترویج و تثبیت رباعیات در انگلستان سهم

بزرگی داشته‌اند (مانند نقش کتابگزاری‌ها، ادیبان، شاعران و اهل قلم، ناشران، آزاداندیشان و مخالفان منافع امپراتوری انگلستان در هند، و چاپ‌های قاچاقی) اشاره نکرده است.

برای خواننده غربی برخی فصول کتاب مثلاً فصل دوم بسیار ارزشمند است. در این فصل نویسنده کوشیده «تصویر رازآلود خیام را براساس منابع موثق از نو بسازد» (ص ۴۰). این فصل را می‌توان به‌منزله سرچشمه‌های خیام‌شناسی دانست. اهمیت این فصل در این است که برخی از این منابع، به گفته مؤلف، برای اولین بار به انگلیسی ترجمه شده و در دسترس خوانندگان غربی قرار گرفته است (همان جا). به علاوه او بعضاً این منابع را تحلیل نموده و صحت و سقم آنها را بررسی کرده است.

به استثنای برخی تحلیل‌های شخصی نویسنده (مثلاً در باب اصالت رباعیات)، در کل صهبای خرد اثری است متعادل و مستند، و یکی از کوشش‌های ارزشمند در معرفی ابعاد مختلف شخصیت کثیرالاضلاع عمر خیام به زبان انگلیسی. از این رو باید آن را قدر شناخت. خوشبختانه دکتر مجدالدین کیوانی این کتاب را با عنوان صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری ترجمه کرده و انتشارات سخن در سال ۱۳۸۵ آن را در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.^۱

مصطفی حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا - همدان و

دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز

^۱ در نگارش این جستار به دفعات به ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی مراجعه کرده‌ام. همین جا از او سپاسگزاری می‌کنم.